



محاورة طالب و مطلوب

به اهتمام لوتہ کھلر
وہانس سانس
ترجمہ فرہنگ رجایی

محاورہ طالب و مطلوب

مکاتبات آرنٹ - یاسپرس (۱۹۶۹-۱۹۲۶)



بنگاہ ترجمہ و نشر
کتاب پارسہ

سرشناسه: آرنست، هانا، ۱۹۰۶ - ۱۹۷۵ م. Arendt, Hannah

عنوان و نام پدیدآور: محاوره طالب و مطلوب: مکاتبات آرنست - یاسپرس ۱۹۶۹ - ۱۹۲۶/به‌اهتمام [صحیح: ویراستاران] لوته کهپلر، هانس سانر؛ برگردان به فارسی و توضیحات اضافی فرهنگ رجایی.

مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۲

مشخصات ظاهری: ۹۵۲ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۹۱۲-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Hannah Arendt/Karl Jaspers Briefwechsel, 1926-1969.

موضوع: آرنست، هانا، ۱۹۰۶ - ۱۹۷۵ م. -- نامه‌ها/ یاسپرس، کارل، ۱۸۸۳ - ۱۹۶۹ م. --

نامه‌ها/ دانشمندان علوم سیاسی -- آلمان -- نامه‌ها/ فیلسوفان آلمانی -- نامه‌ها/ یاسپرس، کارل، ۱۸۸۳ - ۱۹۶۹ م.

شناسه افزوده: کولر، لوته، ۱۹۱۹-۲۰۱۱ م، ویراستار

شناسه افزوده: زانر، هانس، ۱۹۳۴-۲۰۱۷ م، ویراستار

شناسه افزوده: رجایی، فرهنگ، ۱۳۳۱ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: J۲۶۳

رده‌بندی دیویی: ۳۲۰/۵۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۶۳۱۸۲



■ محاوره طالب و مطلوب

لوته کهپلر و هانس سانر ترجمه فرهنگ رجایی

آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی گرافیک: پرویز بیانی چاپ و صحافی: دالاهو

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۳، ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.

هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

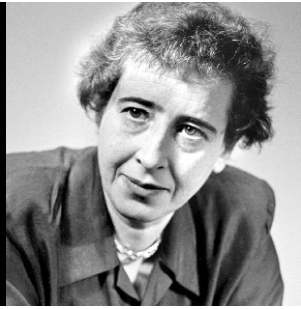
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

@ketabeparseh





فهرست

۹.....	درباره نویسندگان، کوشندگان، و مترجمان
۱۳.....	مقدمه مترجم
۱۹.....	مقدمه کوشندگان
۴۱.....	یادداشت برای نشر کتاب در ایالات متحد
۴۳.....	مکاتبات آرنٹ - یاسپرس (۱۹۶۹ - ۱۹۲۶)
۹۴۱.....	نمایه

درباره نویسندگان، کوشندگان، و مترجمان

هانا آرنه (۱۹۷۵-۱۹۰۶) نظریه‌پرداز امریکایی آلمانی‌تبار یکی از درخشانترین ستاره‌های اندیشه‌ورزی است. در دانشگاه فلسفه از مارتین هایدگر (۱۹۷۶-۱۸۸۹) و کارل یاسپرس (۱۹۶۹-۱۸۸۳) درس گرفت و رساله دکتری خویش را درباره مفهوم مهر، حب، دوستی، علاقه یا عشق در اندیشه آگوستین قدیس (۴۳۰-۳۵۴) با عنوان محبت و آگوستین قدیس: کوششی در یک تفسیر فلسفی به پایان برد. آرنه بیش از صدها مقاله مؤثر و مهم و بیش از ده‌ها کتاب نوشت که معروف‌ترین آن‌ها ریشه‌های تام‌گرایی (۱۹۵۰)، وضع بشر (۱۹۵۸)، آیشمن در اورشلیم (۱۹۶۳)، و حیات ذهن (۱۹۷۸) است که هر یک بارز بوده و مجموعاً بیشترین بحث‌های دانشگاهی، روشنفکری، علمی، و سیاسی را برانگیخته‌اند.

فرهنگ رجایی (-۱۳۳۱) دانشور امرسیاسی و اندیشه‌ورزی است با حوزه‌های تخصصی اندیشه سیاسی و روابط بین‌الملل، او همچنین نویسنده و مترجم است که نزدیک چهار دهه در دانشگاه‌های ایران و جهان تدریس و پژوهش کرده است. کتاب‌های متعددی به زبان‌های انگلیسی و فارسی دارد. از آخرین آثار وی کتاب‌های حضور و امرسیاسی؛ هنر انسان‌ورزی (تألیف به انگلیسی، انتشارات پل‌گریو/مک‌میلان، ۲۰۲۱)؛ و اندیشه و اندیشه‌ورزی (تألیف، نشر فرهنگ جاوید، ۱۳۹۸) و ترجمه‌هایی

مانند هانا آرنت و محبت به دنیا (نشر مانوش، ۱۴۰۱) نوشته الیزابت یانگ بروئل و تمدن و سرمایه‌داری (انتشارات علمی و فرهنگی، ۳ جلد، ۱۴۰۱-۱۴۰۰) نوشته فرنان برودل است.

هانس سانر (۲۰۱۷-۱۹۳۴)، فیلسوف سوئیسی و دستیار کارل یاسپرس از ۱۹۶۲ تا مرگ استاد در ۱۹۶۹ بود. از ۱۹۶۷ که دکتری فلسفه را تمام کرد تا آخر عمر در دانشگاه درس داد و به دلیل علاقه به موسیقی، «فلسفه فرهنگ» تدریس می‌کرد. تمام عمرش را در شهر بازل در سوئیس، محل زندگی کارل یاسپرس زندگی کرد.

لوته کهلر (۲۰۱۱-۱۹۱۹). دستیار آرنت و آخرین مقامش استاد دانشگاه سیتی کالج نیویورک بود. از دانشگاه مونستر آلمان دکتری ادبیات در ۱۹۴۸ گرفت، مدتی در لندن استاد دانشگاه بود و وقتی در ۱۹۵۵ به آمریکا مهاجرت کرد با آرنت دوست شد. رابطه بسیار نزدیکی با وی پیدا کرد و بعد از ماری مک‌کارتی (۱۹۸۹-۱۹۱۲، نویسنده و فعال سیاسی آمریکایی) کارگزار آثار آرنت بود. نه فقط مکاتبات حاضر بلکه مکاتبات آرنت با همسرش هاینریش بلوکر (۱۹۷۰-۱۸۹۹، شاعر آلمانی-آمریکایی و استاد بارد کالج نیویورک) را نیز نشر داده است.

رابرت کیمبر (?-۱۹۳۴) نویسنده آمریکایی و همسر ریتا. هر دو پس از اتمام تحصیلات مدتی در کالج ولزلی در ایالت ماساچوست تدریس کردند و بعد به ایالت مین نقل مکان کرده و تا آخر عمر به ترجمه آثار فراوان پرداختند. رابرت همچنین به زندگی ساده طبیعی و به‌ویژه قایقرانی در رودخانه (با قایق پارویی باریک) علاقه‌مند بود. چندین کتاب درباره زندگی روستایی نوشته است، از جمله کتابی با عنوان زندگی وحشی و محلی؛ تعلیم و تربیت شکارگری - باغبانی (۲۰۰۲).

ریتا کیمبر (۲۰۱۵-۱۹۳۴) مترجم و نویسنده آمریکایی متولد سوئیس مانند پدرش اهل کوهنوردی و اسکی بود. در ۱۹۵۵ به آمریکا مهاجرت کرد و از دانشگاه هاروارد دکتری ادبیات تطبیقی گرفت. فعال در زمینه عدالت اجتماعی بود و آثار فراوانی را همراه با همسرش رابرت مانند کتاب حاضر به انگلیسی ترجمه کرد.

کارل یاسپرس (۱۹۶۹-۱۸۸۳) فیلسوف آلمانی و استاد راهنما، مشوق، و دوست عمرانه هانا آرنت و به تعبیری پدری برای آرنت بود که هرگز نداشت. زندگی حرفه‌ای خود را با روان‌شناسی آغاز کرد و بعد به فلسفه روی آورد. پس از آنکه شغلش را به‌عنوان استاد دانشگاه پس از قدرت گرفتن نازی‌ها در آلمان از دست داد، به سوئیس

درباره نویسندگان، کوشندگان، و مترجمان ■ ۱۱

مهاجرت کرد و تا آخر عمر در آن کشور زیست. آثار فراوانی از وی به جامانده است که بیش از بیست کتاب از وی به فارسی ترجمه شده است. مهم‌ترین اثر یاسپرس کتاب سه‌جلدی وی است با تمرکز به سه محور «تفکر فلسفی و عینیت انضمامی دنیا»، «تفکر فلسفی و وضع بشر»، و بالاخره، «تفکر فلسفی و استعلا» که شکل‌دهنده فلسفه وجودی وی است.

مقدمه مترجم

در اواخر روزهای اتمام برگردان کتاب مهم هانا آرنت و محبت به دنیا به قلم الیزابت یانگ - بروئل، از انتشارات محترم کتاب پارسه با من تماس گرفته شد که آیا علاقه مندم کتاب حاضر را به فارسی برگردان کنم. با اینکه با کتاب از قبل آشنا بودم، چند روزی با آن سرکردم تا در صورت قبول، به معیارهای خودم برای ترجمه وفادار مانده باشم. پیش از این گفته‌ام که ترجمه دو نوع اثر - آثار ماندگار و آثار روشی - را برای عرضه به خواننده فارسی زبان ارزشمند می‌دانم. محتوای مکاتبات آرنت و یاسپرس از آزمون این دو معیار روسفید از آب درمی‌آیند. آنچه برای من چشمگیر است اینکه در ورای مطالب شخصی که جنبه انسانی دو دانشور را نشان می‌دهد، اکثر مطالب به مباحث محتوایی فلسفی درباره دو مطلب مورد توجهم - هنر انسان‌ورزی و امرسیاسی - یا روش‌های آن تمرکز دارد. مقدمه دو کوشنده که در زندگی واقعی بسیار به هر دو اندیشه‌ورز نزدیک بوده‌اند، جنبه‌هایی از اهمیت این مباحث را با اشاره به نامه‌ها یادآور شده‌اند که من دیگر تکرار آن‌ها را لازم نمی‌دانم.

مایلم در خصوص مطالب مربوط به جنبه‌های خصوصی تر نکته‌ای عرض کنم که به مصداق حکمت رایج که «عالم شدن چه آسان، انسان شدن چه مشکل»، محتوای نامه‌ها نشان می‌دهند که این دو بزرگوار هر دو عالم انسان و انسان عالم بودند و الگوی جالبی

هم از اندیشه‌ورزی و هم انسان‌ورزی در اختیار می‌گذارند و تازه آن‌هم در دوره‌هایی که به تعبیر خود آرنست «عصر ظلمت» بوده است و هر دو از آزمون آن روسفید به درآمدند؛ «خوش بود گر محک تجربه آید به میان». جالب این است که مشوق، استاد و هم‌سخن رقیب آرنست یعنی مارتین هایدگر، از این آزمون روسفید بیرون نیامد. در مواجهه با هیجانانگیز نظام ایدئولوژیکی تام‌گرای نازی نتوانست مقاومت کند اگر نگوئیم عضو فعال و هوراکش نظام جهانگیر و غیرجهاندار نازیسم شد.

نکات دیگری می‌توان درباره رابطه طالب - مطلوبی و بعد دوستی آرنست و یاسپرس به حرف‌ها و نکات کوشندگان افزود. اول اینکه به گمان من یاسپرس در تأثیرگذاری علمی و احساسی بر بنای «منظم» اما نه «نظام‌دار» اندیشه آرنست و توازن ذهنی وی از بالاترین نقش برخوردار است. واقفم که آرنست خود گفته است و دیگر مشاهده‌گران هم گفته‌اند که در دو کتاب فلسفی مهم آرنست، وضع بشر و حیات ذهن ردپا و حضور هایدگر همه‌جا هست، اما به گمان من این حضور قابل قیاس با حضور مارکس است که مستقیم یا غیرمستقیم در همه‌جا مورد نقد و طرف بحث آرنست است، البته در نقش عدوی فکری هانا آرنست. اما به گمان من مارکس و هایدگر به ترتیب نقش متخاصم فکری و رقیب بینشی و دانشی برای آرنست دارند که وی برای نورافشانی به مفاهیم بنیانی خود گفت‌وگو و نقد آثار آن‌ها را مهم و اساسی می‌داند. مارکس البته زنده نبود که مستقیماً به نقادی‌های آرنست واکنش شخصی یا حرفه‌ای نشان دهد، اما مستند است که وقتی آرنست کتاب وضع بشر را برای هایدگر فرستاد، عصبانیت هایدگر قابل توصیف نبود. ظاهراً عصبانیتش هم از روی حسادت بوده است و هم دلخوری برای راه جداشده آرنست از اندیشه وی. نامه خود آرنست در این باره جالب است. در نامه ۲۹۷ در این کتاب چنین می‌نویسد: «برایش [کتاب وضع بشر را] فرستادم. می‌دانم که برای او قابل تحمل نیست که نام من در ملاءعام مطرح شود، یا من کتابی بنویسم و امثال آن. حقیقتاً در تمام این مدت درباره خودم دروغ گفته و به وجهی رفتار کرده بودم که گویی هیچ‌یک از این‌ها در من وجود ندارند و به اصطلاح نمی‌توانم حتی تا سه بشمارم، به جز وقتی که کارهای خودش را تفسیر می‌کردم. بعد او بسیار خوشحال می‌شد که می‌دید من می‌توانم تا سه بشمارم حتی تا چهار. اما ناگهان این تظاهر دروغی برای من خسته‌کننده شد و حالا برای این تغییر ذهنیت باید سیلی به صورتم را بپذیرم» و بعد واکنش یاسپرس به گزارش آرنست از این واقعه نیز جالب و گویاست و از این رو یاسپرس در نامه ۲۹۸ می‌نویسد،

«تفسیر شما از رفتار هایدگر آن قدر حیرت آور است که اگر از طرف شما نمی آمد که او را خوب می شناسید، من به سختی آن را می پذیرفتم. هایدگر می بایست درباره کتاب های شما برای مدت طولانی خبر داشته باشد، زیرا تمام روزنامه ها، یکی بعد از دیگری، آن ها را بررسی کرده اند. تنها تفاوتش این است که وی این یکی را مستقیماً از شخص شما دریافت کرده است - و بعد، چنین واکنشی! غیر قابل باورترین چیزها نیز ممکن است».

اگر بخواهیم از نظر علمی تأثیر افرادی را که آرنت در نقد یا گفت و گو با آن ها جهان ذهنی خود را سامان داده است شناسایی کنیم، گرچه اشاره شد، اما مایلم بیشتر درباره شان حرف بزنم باید از سه نفر صحبت کنم: مارتین هایدگر، کارل مارکس، و کارل یاسپرس. نقش هر یک چه بوده است؟ می دانیم که هایدگر به عنوان استاد جوانی که مباحث غیر متعارف مطرح می کرد در دانشگاه ماربورگ از ۱۹۲۲ بسیار محبوب بود. این درس گفتارها در زمانی ارائه می شد که هایدگر کتاب اصلی خود وجود و زمان را می نوشت. هانا آرنت بسیار جوان تر و دانشجوی کلام و فلسفه در دوره های مطالعات عالی بود و حتی کسانی که دوره تحصیلات خود را به اتمام رسانده بودند در درس گفتارهای وی حاضر می شدند. محتوای این کلاس ها را آرنت در مقاله یادبود هشتادسالگی هایدگر چنین توصیف می کند: «تفکر مجدداً حیات گرفته است؛ ذخایر فرهنگی گذشته که ظاهراً نابود شده بود حیات پیدا کرده و در درازای آن چیزهایی مطرح می شود که با مقولات آشنا متفاوت است». آرنت که از جوانی به زبان های دیگر علاقه مند بود و در بچگی یونانی خوانده بود توسط طبع شاعرانه و علاقه شدید هایدگر به زبان آلمانی، به ادبیات آلمان با سبک و سیاق رمانتیک نیز جلب شد. جالب است که وقتی به مرحله رساله نویسی و تمرکز بر اندیشه آگوستین رسید، به کمک وی و یاسپرس از نظر محتوایی خود را از هایدگر جدا کرد، در رقابت با وی قرار گرفت و تفکر وی را به نقد کشید. اما انسان همیشه از رقیبان چیز می آموزد و تفاوت فکری خود را در مقایسه با آنان می فهمد و از این رو آرنت تا آخر عمر با وی در گفت و گو بود. اصولاً در جایی آرنت خود گفته بود چه بسا بدون هایدگر کتاب وضع بشر نوشته نمی شد.

و اما مارکس: آرنت از زمانی که تعمق درباره تفکر تام گرا و نظام استبداد تام و تألیف اثر مهم خود ریشه های تام گرایی را آغاز کرد، دریافت که با همه احترامی که برای مارکس قائل است، عدو و متخاصم سرسختی برای نحوه نگرش اوست. ابهام و کژفهمی که به زعم آرنت، مارکس در تحول فلسفه جدید وارد کرده است غیر قابل جبران است. بعد